

منصب نقابت در دوران آل بویه

فرهاد پروانه^۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

چکیده

یکی از نهادهایی که در قرن چهارم هجری نقش برجسته و مهمی را نه تنها در میان سادات، بلکه در میان تمام شیعیان ایفا می‌کرد، نهاد یا منصب نقابت بود. در واقع به سبب نقش برجسته و ممتاز سادات در میان مسلمانان بویژه شیعیان بود که منصب نقابت ایجاد شد تا فردی مسئول، مواظبت کند کسانی به دروغ خود را به سادات منتسب نکنند و از سوی دیگر، حقوقی را که به آنان تعلق می‌گیرد و سایر امور مربوط به آنان را رتق و فتق کند. علت انتصاب نقیب این بود که کس دیگری غیر از سادات و اشراف علوی بر آنها، ولایت و سرپرستی نکند. این منصب در دوران حکومت شیعه مذهب آل بویه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشت. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی قصد دارد که علاوه بر نگاهی به مفهوم نقیب و نقابت، سابقه، انواع و وظایف این منصب به معرفی و بررسی اجمالی آن در دوران آل بویه نیز بپردازد.

واژگان کلیدی: نقیب، نقابت، آل بویه، سادات علوی

مقدمه

یکی از پیامدهای اجتماعی ظهور اسلام، شکل‌گیری طبقه سادات در جامعه اسلامی بود. شکل‌گیری نهاد نقابت در قرن سوم هجری، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است. نقابت، سازمانی در نظام دیوان‌سالاری جهان اسلام بود که نخستین بار، خلفای عباسی به دلایلی آن را پدید آوردند و پس از سقوط خلافت، همچنان باقی ماند. سادات به دلیل انتساب به پیامبر اکرم (ص) در جامعه اسلامی مقام و جایگاه ویژه‌ای به دست آوردند. هدف از ایجاد این نهاد، اجتناب از شرایطی بود که سادات تحت نظارت غیر سادات قرار می‌گرفتند. نقبا با حفظ شأن، کنترل انساب سادات و ترویج مودت اهل بیت در جامعه اسلامی، در گسترش تشیع نیز سهم مهمی داشتند. ارتباط عمیق و گسترده میان نقبا و نسب‌شناسان به شکل‌گیری علم انساب در قرن چهارم هجری انجامید. این نهاد در دوران امرا و حاکمان شیعه مذهب آل بویه، گسترش و رونق دوچندانی پیدا کرد.

تعاریف مفهومی از نقیب و نقابت

نقابت و نقیب از دید لغت‌شناسی، از ریشه «نقب» به معنای شکافتن و سوراخ کردن، راه گشودن و کاویدن ژرفای چیزها و گردش و جست و جو گرفته شده است (خالقی، ۱۳۸۷: ۲۵)؛ اما در اصطلاح، تعریف‌ها و معناهای گوناگونی برای آن آمده است. کسانی نقیب و نقبا را در معنای رئیس و رؤسای شیعیان در سازمان روحانی - اداری کشور به کار برده (بیانی، ۱۳۷۱، ۶۴۵/۲) و کسانی نقیب را به معنای مفهوم سالار و رئیس دانسته‌اند (همدانی، ۱۳۷۳: ۳۵۱/۱). نقیبان خود نیز سالاری به نام «نقیب‌النقبا» داشتند که وکیل عمومی خاندان علوی به شمار می‌آمد و از پایگاه اجتماعی والایی برخوردار بود. او تقریباً بعد از خلیفه قرار می‌گرفت که گاهی او را به نام‌های دیگری مانند سیدالسادات (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۳۲۳)، جناب نقابت‌پناه (نخجوانی، ۱۹۷۱: ۱۵) و سیدالنقباء (ابن بزاز، همان، ۱۱۲۲) می‌خواندند. در قرآن کریم واژه نقیب سه بار آمده است (کهف/۹۷؛ ق/۳۶؛ مائده/۱۲).

نقیب به معنای عام کلمه به کسی گفته می‌شد که سرپرستی گروه معینی را برعهده داشته باشد؛ ولی در معنای خاص آن در اوایل خلافت عباسیان، کسانی را به عنوان نقیب انتخاب می‌کردند تا به امور علویان و عباسیان رسیدگی کند. بدین گونه که یک نقیب برای آل علی (ع) و یک نقیب برای عباسیان (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۶۸/۱۱). نقیب امور مربوط به سادات را عهده دار بود تا فردی در کار آنها دخالت نکند (منتجب‌الدین، ۱۳۸۴: ۶۴). نقابت شغل دولتی بود که فرمان آن از سوی خلیفه یا امیر برای سادات واجدالشرایط که از فرزندان حضرت علی (ع) بودند، صادر می‌گردید (سیدکباری، ۱۳۷۸:

(۲۱۱). نقابت منصبی بود که مسئولیت سرپرستی جماعتی از خاندان علوی یا عباسی را برعهده داشت. مسئولیت این پست به اشخاصی داده می‌شد که نسبت به اوضاع علویان و احوالات ایشان آگاه و آشنا باشند.

علت به وجود آمدن این منصب، آن بود که مسلمانان برای تکریم خانواده پیامبر، خواهان تدابیر نظامی اداری بودند تا بر اساس آن، خانواده پیامبر (ص)، از مشکلات و تنگناهای اجتماعی مصون باشند و نیازمند به دیگر اقشار نگردند؛ زیرا صدقه و زکات بر آنان حرام بود و امکان بهره‌گیری از این دور راه در برطرف کردن نیازهای اجتماعی آنان نبود. این نقبا از طرف خلیفه یا پادشاه و از میان سادات عالی قدر و باشخصیت و صاحب نفوذ انتخاب می‌شدند (فقیهی، ۱۳۵۳: ۳۷۶).

نقابت، نهادی است که برای صیانت از حقوق سادات و رسیدگی به امور آنها به وجود آمد (ماوردی، ۱۹۹۶م: ۱۲۱). خلفای عباسی بر آن بودند با ایجاد نهاد نقابت، علاوه بر اعطای آزادی عمل به طالبیان، آنها را تحت کنترل خویش درآورند (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۲۰) و از ایجاد کانون قدرت علیه خویش جلوگیری نمایند. در واقع وقتی عباسیان نظارت مؤثر خود را بر طالبیان از دست دادند، نهادی ایجاد کردند تا قدرت طالبیان را منسجم نمایند؛ البته این نهاد تحت نظارت دقیق دستگاه خلافت نبود، بلکه نهادی معمولی در جامعه بود که از احترام فراوانی برخوردار بود (موری موتو، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

سابقه نقابت

درباره زمان دقیق پیدایش منصب نقابت، اتفاق نظری وجود ندارد؛ برخی معتقدند این نهاد در دوره متوکل (۲۴۷-۲۳۲ هـ.ق) ایجاد شد (متز، ۱۳۶۲: ۱۷۷)؛ برخی معتقدند مؤسس نهاد نقابت، مستعین (۲۵۲-۲۴۸ هـ.ق) بوده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۸: ۷۵۸؛ خالقی، ۱۳۸۷: ۹۴). ابن فندق، مؤسس نهاد نقابت را معتضد می‌داند (بیهقی، ۱۴۱۰ق: ۷۱۷/۲). سابقه این منصب به دوران امام هشتم (علی بن موسی الرضا) و زمان مأمون برمی‌گردد (علامه امینی، ۱۳۶۶: ۳۲۲/۷).

انواع نقابت و وظایف نقبا

نقابت دو نوع بود: خاصه و عامه. در مورد خاصه نقیب فقط در امور کسانی مداخله می‌کرد که تحت نظر مستقیم او بودند و حق قضاوت و اقامه حد نداشت. او فقط در حذف انساب خاندان مربوطه کوشا بود. نقابت عامه، نقابتی بود که نقیب علاوه بر حفظ انساب، به امور مربوط به افراد خاندان نیز رسیدگی می‌کرد؛ اختلافات را از بین می‌برد و در صورت لزوم، حد جاری می‌نمود (کاهن، ۱۳۸۴: ۳۲۱).

نقابت خاصه: نقیب خاصه فقط در امور افراد تحت نظارت خود مداخله می‌کرد؛ اما حق اجرای حدود و داوری نداشت و وظیفه اصلی این نوع نقابت، دقت در حفظ انساب خاندان سادات بود. بنابراین، نیازی به این نبود که از دانش دینی برخوردار باشد (ماوردی، همان: ۲۱/۲؛ امینی، همان: ۲۰۵/۴).

نظارت و ثبت اموری مانند تولد و فوت سادات، نظارت بر نکاح بانوان طالبی که با غیر طالبی ازدواج نکنند (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۲۲۰)، بازداشتن سادات از ارتکاب گناهان و محرمات، نظارت بر امور کسب و کار سادات تا به کارهای پست و کم ارزش مشغول نگردند و موجبات خواری آنان نزد دیگران فراهم نشود، فراخواندن سادات به رعایت آداب اجتماعی از دیگر وظایف نقبای خاص بوده است (ماوردی، همان: ۱۲۲).

نقابت عامه: حفظ آمار و انساب و تبار قوم، شناسایی قوم خود و پدران خود، ثبت نوزادان دختر و پسر قوم خود، برحذر داشتن قوم خود از ارتکاب گناهان و کارهای خلاف، داوری و قضاوت در اختلافات و درگیری‌ها، سرپرستی اموال یتیمان و ... (ماوردی، همان: ۱۲۱)، داوری در نزاع بین سادات و سرپرستی ایتم، نظارت بر امور موقوفات و تقسیم سهم سادات میان آنان (همان، ۱۲۳)، تأیید یا رد دعوی‌های نسبی افراد درباره سیادتشان (نخجوانی، ۱۹۷۱م: ۲۰۵) از اهم وظایف نقیب عامه بوده است.

نقابت در دوران آل بویه

خدمات آل بویه به مذهب شیعه، آشکارا و بی‌شمار است. آنان با تجلیل و تقدیر و احترام به ائمه شیعه، گنبدها و بارگاه‌هایی بر ضریح امامان و بزرگان شیعه برافراشتند. حتی عضدالدوله و سپاهیانش نزدیک یک سال برای ساختمان مرقد علی (ع) و توسعه آن، در نجف اشرف اقامت کردند و پیرامون آن مقام و مشرفه، مسکن گزیدند و برای ساکنان آن منازل، صدقات و هبه‌هایی مقرر کردند (میرخواند، ۱۳۳۸: ۱۵۶). زمان آغاز برخی از مهم‌ترین شعارهای شیعیان که چند قرن از عمر آن‌ها می‌گذرد، از دوره حکومت آل بویه، بوده است؛ زیرا شیعیان که در دوران بنی امیه و زیر فشار ظلم و ستم آنان نتوانستند مراسم خود را برپا کنند، در زمان آل بویه بار دیگر توانستند خودشان را مطرح کنند.

بنی امیه به خاطر دشمنی سخت با خاندان پیامبر (ص) که بر مبنای نژادپرستی زمان جاهلیت بود، سعی داشت قداست این خاندان را کم، جلوه دهند (شیبی، ۱۳۵۹: ۴۳). امیران بویهی با رونق دادن به منصب «نقابت» تلاش کردند تا حقوق علویان و شیعیان را که در حکومت بنی عباس پایمال شده و نادیده گرفته شده بود، احیا کنند. آن‌ها در فرصت‌های مناسب چه از طریق ایجاد مناصب اجتماعی مثل نقابت و چه از طرق دیگر همواره سعی در احقاق حق علویان و شیعیان داشته‌اند و با برآورده کردن خواسته‌های علویان باعث فعال‌شدن شیعیان در جامعه و ازدیاد آنان بر اثر تبلیغات نقبا و آزادی اجتماعی که برای آن‌ها به وجود آمده بود، گردیدند.

در دوران آل بویه، نقیب از میان محترم‌ترین و بزرگترین سادات برگزیده می‌شد و همچنین وی می‌بایست از نظر دانش، اخلاق و برزندگی ظاهری، فوق‌العاده ممتاز بوده تا دیگران برتری‌اش را بپذیرند و از وی اطاعت نمایند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۸: ۷۵۸). در این دوران حق انتصاب نقیب از خلفا به امرای محلی منتقل شد (متز، ۱۳۶۲: ۱۷۷). حکمرانان تنها حق انتصاب نقیبی خاص را داشته‌اند و انتصاب نقیب عام، در اختیار خلیفه بوده است. معمولاً منصب نقابت به پسر ارشد می‌رسیده است و یا می‌بایست برادر نقیب به جانشینی وی انتخاب شود. نقیب در جلوس‌ها، و سلام‌های رسمی، بر تمامی بزرگان مقدم بود و پیش از همه رجال دولتی، چون صدراعظم و شیخ الاسلام به حضور خلیفه می‌رفت (روضاتی، ۱۳۳۵: ۴۱). از نظر مراتب و تشریفات حکومتی، بر تمامی بزرگان برتری داشت؛ زیرا در فرمان‌های حکومتی، نام وی پیش از دیگر مقامات حکومتی چون قاضیان و روحانیان می‌آمده است (منتجب‌الدین، ۱۳۸۴: ۲۳).

آل بویه نقیب علویان را از میان سادات و علویان صاحب نفوذ اختیار می‌کردند و نقیب علویان، بسیار مورد احترام شیعیان بوده است. کلودکاهن در فرمان نقابت ابواحمد موسوی به نقل از رسائل صابی چنین آورده است: «جانب علویان را نگه دارد و با کهنترین مهربان باشد، در کیفر علویان خطاکار جانب صبر و حوصله را مرعی دارد، به آنان دشنام ندهد و نام والدینشان را به میان نکشد، نام‌های آن‌ها را در دفاتر خاص ثبت نماید و مأموران هم همین کار را انجام دهند تا اشتباه در نسب آنها راه نیابد و اگر کسی خود را علوی نامید، و شهادت شاهدان آن را ثابت نکرد، در کیفررسانی او لحظه‌ای درنگ نمایند» (کلودکاهن، ۱۳۸۴: ۲۲۳).

از زمانی که احمد معزالدوله وارد بغداد شد و عملاً قدرت دستگاه خلافت عباسی را در اختیار گرفت، توجه خاصی به علویان نمود. او مقام «نقابت» را با پشتوانه محکم‌تری احیا کرد و بدین وسیله منصب نقابت علویان رونق گرفت. به استنباط مفیزالله کبیر، معزالدوله برای این منظور تصمیم گرفت علویان را از حوزه قدرت قضایی نقیب عباسی خارج سازد و حقوق ویژه‌ای برای آنان در نظر بگیرد که در نهایت حقوق خاصی در دولت برای آنان تعیین کرد (کبیر، ۱۳۸۱: ۲۸۹). آن‌گونه که در تاریخ قم آمده، ابو محمد حسن بن ابی هاشم از اخلاف امام حسن (ع) به دستور معزالدوله از قم به بصره رفت و نقابت سادات را بر عهده گرفت (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۲۰۸).

ابن جوزی هم نقل می‌کند که بهاءالدوله، نقابت علویان بغداد را به ابواحمد موسی از نوادگان امام هفتم سپرد که این منصب به وسیله قادر عباسی مورد تأیید قرار گرفت (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۳/۷). مدتی بعد از مرگ ابواحمد موسوی، بهاءالدوله با وجود دشمنی عده‌ای با سیدرضی، سرانجام

نظارت بر امور علویان را در سراسر مملکت به وی سپرد. ابن خلکان نیز می‌نویسد: «پدر سیدرضی که نقابت طالبیان را داشت، تمام وظایف خویش را در حالی که زنده بود در سال ۳۸۸ ق. به فرزندش رضی محول کرد» (ابن خلکان، ۱۳۶۷: ۴۴/۴).

در سال ۴۰۳ ق. سیدرضی به نقابت علویان بغداد و سایر ممالک برگزیده شد و فرمان نقابت وی در حضور اعیان و بزرگان در منزل فخرالملک وزیر بهاءالدوله قرائت گردید و علاوه بر منصب نقابت، امیری حج، ریاست دیوان مظالم و فرمانروایی حرمین نیز به او سپرده شد (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۵/۲۸).

پس از درگذشت سیدرضی، نقابت علویان به مدت سی سال به برادرش سیدمرتضی واگذار شد. او هم چنین سرپرستی سادات، امارت حج و رسیدگی به امور زائران خانه خدا و ریاست دیوان مظالم را در دست داشت (ابن جوزی، همان: ۲۷۶/۷).

از کلمه نقابت در زمان آل‌بویه، سادات علوی اراده می‌شد. در آن زمان کسانی بودند که برای خود نسب می‌ساختند و خود را از اولاد امام‌حسن و امام‌حسین (ع) می‌دانستند. وظیفه نقیب این بود که در صحت نسب سادات دقت نماید و مواظب باشد. نقبا از طرف خلیفه یا پادشاه از میان سادات عالیقدر و با شخصیت و صاحب نفوذ و با معلومات انتخاب می‌شدند. از جمله در سال ۳۹۴ هـ. ق بهاءالدوله، ابوالاحمد موسوی (پدر شریف مرتضی و شریف رضی) را به نقابت علویان عراق منصوب کرد و او را به ظاهر ذوالمناقب ملقب نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۲۲۴). همچنین در سال ۳۹۶ نقابت علویان عراق را به شریف رضی، تفویض کرد و به او لقب ذوالحسین و به برادرش، شریف مرتضی لقب ذوالمجدین داد (فقیهی، ۱۳۵۳: ۳۷۷).

در سال ۳۶۹ هـ. ق عضدالدوله، ابوالحسن علی بن احمد بن اسحاق علوی را در بغداد و واسط و ابوالفتح احمد بن عمر بن بیحی را در کوفه و ابوالحسن احمد بن القاسم المهدی را در بصره و اهواز به نقابت علویان انتخاب نموده بود (فقیهی، همان: ۳۷۸).

نقبای مشهور دوران آل‌بویه:

- ✓ ابو عبدالله محمد بن داعی صغیر، که در سال ۳۵۲ هـ. ق در زمان حکومت بختیار نقیب علویان شد (حسن موسوی، ۱۳۸۱: ۱۷).
- ✓ ابو محمد ابن هاشم از اخلاف امام حسن (ع) بود که به دستور معزالدوله از قم به بصره رفت و نقابت سادات را بر عهده گرفت (همان، ۱۵۲).
- ✓ ابوالحسن بن علی بن محمد معروف به «کوکبی» که از سادات بود و به دستور معزالدوله، ابتدا والی بصره گردید و سپس به نقابت علویان بغداد منصوب گشت و تا پایان عمر خود همیشه پیشوا و نقیب بود (همان، ۱۵۲).
- ✓ ابوالفضل حسین بن علی، جوانی عاقل و پارسا بود و نقابت سادات شهر آبه به او مفوض بوده است (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۵۰).
- ✓ ابوالحسن موسی بن احمد، مردی فاضل و متخلق و سهل‌الجنب بوده و با عنفوان و حوادث سن، نقابت سادات علویه به شهر قم و نواحی قم به او مفوض بوده است و قسمات و وظایف و رسوم و مرسومات و مشاهرات سادات آبه و قم و کاشان و خورزن مجموع به دست و اختیار فرمان او بوده است (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۲۲۴).
- ✓ شریف محمد بن محمد بن عمر علوی الحارث، نقیب طالبیان کوفه بود. وی مردی شجاع، بخشنده و متدین بود که نقابت را همراه امیرالحاجی به مدت ده سال بر عهده داشت و از اموالش به مردم انفاق می‌کرد، او به سال ۳۰۴ هـ. ق در کوفه درگذشت (همان، ۲۲۰).
- ✓ شریف ابوالاحمدالحسین موسوی، پدر سیدرضی از علویان صاحب نام که از سوی بهاءالدوله حاکم وقت آل‌بویه به نقابت علویان بغداد منصوب شد و لقب «ظاهر ذوالمناقب» را دریافت کرد (همان، ۲۱۹).
- ✓ سیدرضی، که کنیت وی «ذوالحسین» بود (همان، ۲۱۶)، در سن ۲۱ سالگی در دوره خلیفه الطائع‌الله عهده‌دار نقابت خاندان ابوطالب در بغداد گشت و منصب سرپرستی حاجیان و نظارت بر مظالم اجتماعی نیز به او سپرده شد. فرمان این منصب از سوی بهاءالدوله در سال ۳۹۷ هـ. ق در بصره به نام او صادر شد. در سال ۴۰۳ هـ. ق سرپرستی امور این خاندان به طور کلی به او محول شد و به عنوان «نقیب‌النقبا» مخاطب گشت (ابن اثیر، ۵۴۲۵). سیدرضی بین خود و خلیفه القادر عباسی تفاوتی نمی‌دید و.... (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۶: ۳۰).

✓ سید مرتضی که به مدت چهار دهه عهده‌دار منصب نقابت و مناصب سرپرستی مظالم و امور حجاج بود. او پس از برادرش سیدرضی به مقام نقیب‌النقبا آل ابی طالب رسید (شوشتری، ۱۳۷۷: ۵۰۳).

نتیجه‌گیری

یکی از منصب‌های که علمای شیعه را به طور تنگاتنگی با حاکمان مرتبط می‌ساخت نظام «نقابت» بود. نقابت عبارت بود از نظامی که طی آن اشخاص عالم و آشنا به اوضاع از طرف خلیفه به سرپرستی جماعتی از خاندان علوی یا عباسی منصوب می‌شدند تا امور مربوط به خاندان منصوب به پیامبر را انجام دهند. به عبارتی از آن‌جا که مسلمانان، احترام خاصی برای خاندان پیامبر قائل بودند، نظامی پدید آمد تا این خاندان، به آلودگی‌های اجتماعی جامعه گرفتار نشوند و حیثیت افراد آن، مصون بماند. شخص متصدی امور مربوط به خاندان علوی یا عباسی را «نقیب» می‌نامیدند و نقیبی که در رأس کل نظام نقابت بود و از مرکز، حکومت دیگر نقبا را زیر نظر و تحت فرمان داشت «نقیب‌النقبا» خوانده می‌شد. از آنجا که برخی از نقبا و به خصوص نقیب‌النقبا از طرف خلیفه منصوب می‌شدند، نظام نقابت با خلافت در ارتباط بود. به هنگام تسلط آل‌بویه بر بغداد و در اختیار گرفتن امور توسط آن‌ها نقبا به طور مستقیم و یا با مشورت خلیفه، از سوی حاکمان بویهی منصوب می‌شدند. نقیب‌النقبا وکیل عمومی خاندان به حساب می‌آمد و در حقیقت پایگاه اجتماعی والایی داشت که او را تقریباً پس از خلیفه قرار می‌داد.

امیران بویهی با رونق دادن به منصب نقابت تلاش کردند تا حقوق علویان و شیعیان را که در حکومت بنی‌عباس پامال شده و نادیده گرفته شده بود، احیا کنند. سیدمرتضی و سیدمرتضی از نقبای معروف دوران آل‌بویه از نفوذ، قدرت و احترام ویژه‌ای نزد خلیفه عباسی، حاکمان آل‌بویه و مردم برخوردار بودند.

اهم وظایف نقبا به طور کلی عبارت بودند از: حفظ نسب اشخاص؛ تمیز دادن نسب‌ها؛ کمک در جهت استیفای حقوقشان و جلوگیری از ضعیف شدن آن‌ها در جامعه؛ اخذ حقوق آنان از جامعه همچون حقوق ذوی‌القربی در فیء و غنیمت و تقسیم بین آنان؛ سرپرستی یتیمان آنان در آنچه مالک‌اند؛ کوشش در تربیت افراد خاندان علویان متناسب با شأن و جایگاه‌شان به خصوص کسانی که دارای سرپرست نبودند.

منابع و مأخذ

الف: کتابها

۱. ابن ابی الحدید، فخرالدین ابو حامد عبدالحمید (۱۳۸۶ق). *شرح نهج البلاغه*، قاهره: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن بزاز، درویش توکل اردبیلی (۱۳۷۶). *صفوة الصفا*، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران: زریاب.
۳. ابن خلکان، شمس الدین ابوالعباس احمد بن محمد (۱۳۶۷). *وفیات الاعیان و ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، دارالثقافه.
۴. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جززی (۱۳۸۲). *تاریخ کامل*، ترجمه حمیدرضا آذیر، تهران: اساطیر.
۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲ق). *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۱۲ق). *البداية و النهاية*، بیروت: دارالفکر.
۷. امینی، علامه عبدالحسین (۱۳۶۲). *الغدیر*، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
۸. بیانی، شیرین (۱۳۷۱). *دین و دولت در ایران عهد مغول*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. بیهقی، ابوالحسن (۱۴۱۰ق). *لباب الانساب و الاعقاب الاعقاب*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۰. حسن قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن عبدالملک قمی، تهران: توس.
۱۱. خالقی، محمد هادی (۱۳۷۸). *دیوان نقابت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۵ق). *دول الاسلام*، ج ۲۸، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۳. روضاتی، محمد علی (۱۳۳۵). *جامع الانساب*، تهران: جاوید.
۱۴. سیدکباری، علیرضا (۱۳۷۸). *حوزه های علمیه شیعه در گستره جهان*، تهران: امیرکبیر.
۱۵. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). *مجالس المومنین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۶. شبیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹). *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
۱۷. فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۳). *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*، گیلان: صبا.
۱۸. کاهن، کلود (۱۳۸۴). *بویهیان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
۱۹. کبیر، مفیزالله (۱۳۸۱). *آل بویه در بغداد*، ترجمه مهدی افشار، تهران: سمت.
۲۰. کرمر، جوئل (۱۳۷۵). *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه سعید خنایی کاشانی، چاپ اول: تهران: نشر دانشگاهی.
۲۱. ماوردی، ابی الحسن (۱۹۹۶م). *احکام السلطانیة و الولايات الدینیة*، بیروت: دارالفکر.
۲۲. متز، آدام (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
۲۳. منتجب الدین، علی بن احمد (۱۳۸۴). *عتبة الکتبه*، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر.
۲۴. موسوی، سید حسن (۱۳۸۱). *زندگی سیاسی، اجتماعی شیعیان بغداد*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. میرخواند، میر محمد سید برهان الدین (۱۳۳۸). *روضه الصفا*، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
۲۶. نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۱م). *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، مسکو: دانش.
۲۷. همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۶۲). *جامع التواریخ*، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز.

ب: مقالات:

۱. مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۵۸). «نقابت سادات و برنامه کار نقیب»، *مجله آینده*، سال پنجم، شماره ۱۱ و ۱۰، صص ۷۶۵-۷۵۵.
۲. موری موتو، کازنو (۱۳۸۶). مطالعه‌ای مقدماتی درباره پراکندگی جغرافیایی نقابه الطالبین»، ترجمه محمد حسین حیدریان، *مجله آینه میراث*، سال پنجم، شماره ۲ و ۱، صص ۹۹-۱۵۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The position of niqab during the Alubian period

Abstract

One of the institutions that played a prominent and important role in the fourth century AH, not only among the Sadats, but also among all Shiites, was the institution or position of the mask. In fact, it was because of Sadat's prominent role among Muslims, especially Shiites, that the position of niqab was created so that a responsible person would be careful not to be falsely attributed to Sadat, and on the other hand, the rights granted to them and others. Disrupt their affairs. The reason for appointing Naqib was that no one other than Sadat and the Alawite aristocracy should govern and supervise them.

In addition to a look at the concept of Naqib and Niqab, this article aims to introduce and briefly review the history, types, and functions of this position during the Al-Buwayhiyyah period, using a library method and a descriptive approach

Keywords: Naqib; Mask; Albouyeh; Sadat Alavi

